

نقش نهادهای پس از انقلاب

انقلاب خونبار ملت مسلمان ایران در ۲۲ بهمن سال ۵۷ طومار حاکمیت سیاسی طاغوت را در هم پیچید و نظامی نوین با ایدئولوژی اسلامی ایجاد نمود. تشکیلات سیاسی با رهبری زلی فقیه و کادریهای ایدئولوگ و کارآموزده ایجاد گردید و به مرور دامنه خود را تا تشکیل مجلس شورای اسلامی و کابینه دولت اسلامی و انتخاب ریاست جمهوری و... گسترش داد. اما بدیهی است که نوازات تشکیلات سیاسی فوق نمی توان ساخت اقتصادی، اداری و نظامی را در گون نمود. از سوی دیگر نفوذ انقلاب در تمام تشکیلات و روابط نابودی ارزشهای رژیم طاغوت و خلق ارزشهای نوین انقلابی با روح اسلامی، توقع بحق مردم جهت تغییر روابط ارتجاعی گذشته به روابطی باضوابط و ساخت اسلامی و... ایجاد می نمود هرچه سریعتر، تغییراتی در تشکیلات اقتصادی و اداری و نظامی مملکت ایجاد شود. تاسیس نهادهای انقلابی، بمنظور حل این تناقض بود. کمیته های انقلاب اسلامی و به تعاقب آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اولین نهادانی بودند که به ضرورت حل مسائل نظامی و امنیتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شدند. آموزش فنون نظامی به داوطلبین مبارزه با رژیم طاغوت، تشکیل ارتش شبه نظامی جهت مبارزه با آخرین بازماندگان رژیم پهلوی، دستگیری و حفاظت و

سیاهی، این یاران وفادار امام و امت توانستند توطئه های نظامی ضد انقلاب را در کردستان و گنبد و... سرکوب نمایند و با شروع جنگ در دفاع از میهن اسلامی و ایثار خون خویش حماسه های باشکوهی آفریدند تا آنجا که امام درباره شان فرمود:

* نفوذ انقلاب در تمام تشکیلات و

روابط، نابودی ارزشهای رژیم طاغوت، توقع بحق مردم جهت تغییر روابط گذشته، ایجاد می نمود هرچه سریعتر تغییراتی در تشکیلات اقتصادی، اداری و نظامی مملکت ایجاد شود. تاسیس نهادهای انقلابی نیز برای حل این تناقض بود.

«اگر سپاه نبود، کشور نبود.»

به تناسب فعالیت های نهادهای نظامی، جهادسازندگی بمثابة بازوئی اجرایی در جهت حل مسائل اداری و اقتصادی، به خدمت انقلاب اسلامی درآمد. ساخت دیوانسالارانه و لاکچرستی ادارات با

به تناسب فعالیت های نهادهای نظامی، جهادسازندگی بمثابة بازوئی اجرایی در جهت حل مسائل اداری و اقتصادی، به خدمت انقلاب اسلامی درآمد.

روح حاکم «تمرکز» و «تصمیم از بالا» نمی توانست پاسخگوی مسائل گوناگون انقلاب باشد. اعتصاب چندین ماهه ادارات، متواری شدن تعداد زیادی از روسای ادارات قطع همکاری اطلاعاتی و تدارکاتی بازماندگان رژیم سابق در درون ادارات و... وضع را آشفته تر از واقع می نمود و جهاد مسئولیت کشیدن این بار سنگین را بدوش کشید و می کشد. اما نمی بایست توقع داشت که کلیه تشکیلات را نابود کرد و نظامی جدید را بنیان گذاشت سیاست براین قرار گرفت تا ادارات و نهادهای سنتی بسمت نهادهای انقلابی متحول گردند

بازوئی و مجازات تبهکاران وابسته به رژیم سابق، حفاظت از مراکز مهم سوق الجیشی و شخصیت های انقلابی، حفاظت شهرها و امکان از تبهکاران عادی و نهایتا پایه ریزی تشکیلاتی که در آینده بتواند ارتش مکتبی و نیرومند را سازمان بدهد، از اهداف بنیان گزاران این نهاد بود. سپاه پاسداران و بخصوص کمیته های انقلاب اسلامی (علیرغم تهمتهایی که بدانها نسبت می دادند) نقشی موثر در بازداشت ساواکیها و سرسپردگان رژیم سابق و سیردن آنها به مراکز تصمیم گیری و مقامات صالحه ایفا نمودند. و پس از حصول انقلاب، برادران

و بدینواسطه بود که «انجمن های اسلامی» و «شوراهای اسلامی» در سازمانها و مؤسسات دولتی و خصوصی متولد شدند. علاوه بر دو نهاد فوق که عمومیت بیشتری داشتند، نهادهای مستقل دیگری چون بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی، نهضت سوادآموزی و نهادهای گوناگون دیگری در ارتباط با مسائل خاصی تشکیل شدند. نکته قابل توجه در مورد نهادهای مذکور، ویژگیهای منحصر به فرد آنهاست که در اکثر آنها موجود است و بطریق عکس میتوان جامعه ای را با داشتن این ویژگیها نهاد دانست و اینها عبارتند از:

الف - مردمی بودن:

ستون اصلی اینگونه نهادها را مردم تشکیل میدهند و صرف و گروه خاصی در اینگونه نهادها حاکمیت ندارد. مردم بصورت داوطلبانه آنرا ایجاد کرده و داوطلبانه در آن شرکت می جویند و اکثرا چون حالت داوطلبانه دارد، مسائل مادی و رفاهی نقش درجه اول ندارند و بیشتر روح ایثار و از خودگذشتگی است که برفضای اینگونه نهادها حاکمیت دارد.

ب - ولایتی بودن

این نهادها چون پس از انقلاب تولد یافته اند، ساختمان تشکیلاتی شان هماهنگ با ساخت سیاسی انقلاب است. و همانطوریکه ساختار سیاسی میهن اسلامیان بر ولایت فقیه استوار است، نهادها سعی کرده اند، این روح و احساس را در تشکیلات خودشان حفظ کنند. سلسله مراتب در این نهادها، براساس ولایت است و از آنجائی که این سیاست با جو «دمکراسی غربی مآبانه» همخوانی ندارد، ناگزیر است سیاست «ضد دمکراتیک» را در پیش بگیرد، اگر چه لیبرالها را خوش نیاید!

ج - شورائی بودن

یکی از بارزترین و عمیق ترین وجوه تشکیلات نهادهای انقلابی سیستم اداره نهاد بصورت شورائی است، این شیوه پس از انقلاب به بعد در نهادهای گوناگونی به بوته آزمایش درآمده و نتایج خوبی بیار آورده است. کار شورائی ماهیتا روح استبداد و دیکتاتوری را از بین میبرد و روح اخوت و همکاری را بالا میبرد. سیستم شورائی در حقیقت پاسخی است به شیوه یوسیده «مدیرکلی» که



مناقشه‌ها هنوز سر عقی از نهادهای سنتی جریان
دارد. بی‌شک قابل ذکر است که نهادها نسبت به
مبانی مجلس شورای اسلامی اساساً بی‌توجهی کرده
اند و این مورد را تا پیش از شورای فرهنگ عالی
را تعیین نمی‌کنند. نظامی و نظامیان و نظامیان
و نهادهای انقلابی.

بنگونی نهادها در برابر انقلاب است و این
جبهه‌ها علیه «سازمان» نهادهای فرهنگ
ساز انقلاب خدای و داعی بایستگونی نهادها
خارج از نفوذ خود است.

دولت بازگشت از مخالفت سرسخت نهادهای
انقلاب بشمار میرود و از همه‌گونه کارشکنی در
کار آنها خودداری نمی‌کند. بازگشت از نهاد
بعنوان «مراکز» دیگر تقسیم‌گیری، نام‌سیرده‌ها
خواستار تعطیل و انحلال این نهادها بود. وی
وقاحت را بدانجا رساند که در روزنامه «سازان»
ارگان نهضت آزادی ایران تحت مقاله «کی باید
برود» تعیین تکلیف نکند که مجلس شورای
اسلامی «برود».

خفت بحق ایشان پس از شرح توفیق
حجت تضعیف اینگونه نهادها گویای سبک‌دلی
خستگی عظیمی در روابط کار و کارشکنی
نیست به سبب پاسداری از انقلاب اسلامی و
جهادسازی صورت داد. گروههای چپ و چپ‌ها
تا زمانیکه ماهیت‌شان کاملاً بر ملت مسلمان ایران
مشخص نشده بود، بوسیله نیش قلم در صدد تضعیف
نهادها بودند و زمانیکه بطور علنی به مخالفت و
مبارزه با ملت مسلمان برآمدند، ترور اشخاص و
انفجار، مراکز نهادها را در دستور کار خود قرار
دادند تا بدینوسیله افراد را از شرکت و عضویت در
نهادها مایوس نمایند. ولی این خود معیار و
مشخصه‌ای شد بر صحت و درستی هدف، و به
تعاقب آن اصرار و پافشاری نهادها بر تحقق هدفها.
صد انقلاب بسیار کشش کرد تا به اندازه کشیدن
نهاد، بی‌زوهی نظامی و اجرائی انقلاب را نلج کند.
اما مقاومت برادران همه و جهاد... در سبب و
گردش و سوزیدن مید فضا انقلاب را به پیش
سپید بود و آخرت سجد و استعجاب
تشکیلات نهادهای و ایران شاهد هستیم
راگذاری قسمتی از این آفرین سبک بر نهاد
نهادهای ملت مسلط بر این کشور است. توجیه
تشکیلاتی و اجرائی نهادها را سبب کرده است.

همانطور هم که قبلاً آوردیم. نهادهای انقلابی به
مکتب (و بخصوص ولایت) بعنوان یکی از
بارزترین معیارهای تشکیلاتی خود می‌نگرند و
بهین دلیل، بمنظور تحقق روح مکتب در
فعالتهای اجرائی، همکاری با برادران روحانی
الزامی می‌نماید. علاوه بر مزیت فوق، بواسطه
ارتباط گسترده روحانیت با تمام اقشار جامعه، نهادها
توانستند بخوبی با مردم ارتباط برقرار کرده و بشاب
یک ارگان مردمی، شناخته و معرفی گردند. نتیجتاً
همکاری برادران روحانی در سطوح بالای نهادها،
یکی از عوامل مؤثر در کیفیت عملکرد نهادها بوده
است.

والسلام